انکار تواتر قرائات الی الرسول ص با توجه به مفاد روایت فضیل و زراره

این برای دو حدیث صحیح فضیل و خبر زراره. دنباله آن فرمودند: «**قال المحدث الکاشانی فی الوافی**»؛ در صافی هم دارند.«**بعد نقل الخبرین المقصود منهما واحد و هو أن القراءة الصحیحة واحدة**»؛ قبلاً هم عرض کردم؛ ظاهراً مجلسی اول استاد فیض می‌شوند. ایشان هم در روضه حمل می‌کنند که این روایات دلالت دارد که تعدد قرائات الی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله ثابت نیست. قبل از ایشان من در جایی برخورد نکرده‌ام.

صاحب مدارک مقداری متقدم هستند. شاید صاحب مدارک بیست یا سی باشند. ولی مجلسی اول بعد از پنجاه است. علی ای حال از طبقه شاگردان صاحب مدارک حساب می‌شوند. صاحب مدارک وقتی گفتند بعضی از این سبعه متواتر نباشد، فرمودند «و هو مشکل جدا». یعنی آن اجماع امامیه به قدری در ذهن صاحب مدارک قوی و پر رنگ است که فرمودند: «مشکل جدا». این چطور حرفی است که شما می‌زنید؟! آن هایی که در تتبع خیلی وسعت داشتند، حرف‌هایی زده‌اند. مثلاً صاحب روضات الجنات مرحوم خوانساری از کتاب‌شان معلوم است که فردی بوده‌اند که اهل تتبع هستند. در تاریخ و رجال و تراجم و... . وقتی ذیل حمزه زیات می‌خواهند حرف بزنند، خیلی جالب است، وقتی به قرائات سبع می‌رسند صد در صد قطعی مسلم حرف می‌زنند. یعنی آسید محمد باقر گویا اعتنائی به این حرف‌های بعد از قرن یازدهم اصلاً نداشته‌اند. این قدر بی اعتناء هستند و برایشان واضح بوده است. اما به محضی که به قرائات عشر می‌رسند شروع می‌کنند به وسواس و خدشه؛ عشر باید ثابت شود؛ نمی‌شود ما همینطور قرائات را بیاوریم؛ عشری که شهید گفته بودند لثبوت تواترها؛ عشری که ابن جزری از سبکی استفتاء کرده بود و او گفته بود تواتر قرائات عشر ضروری دین است. در جوابی که به ابن جزری داد گفت که ضروری دین است. آن چه که او می‌گوید ضروری دین است، شهید می‌فرمایند «لثبوت تواترها»، آسید محمد باقر در روضات قبول نمی‌کنند. اما وقتی به هفت می‌رسند، این عبارت را دارند:

> و أقول مرادهم بالقرّاء السّبعة فی كلّ موضع يذكرونه هو أئمّة القراءات السّبع المشهورة الّذی ينتهی إلی مذاهبهم المتفرّدة فی تنظيم كلام اللّه و تنقيط المصاحف، و تجويد القراءة من جهة الإعراب و مبانی البناء و ملاحظة المدود و الإدغامات و الوقف و الوصل و أمثال ذلك من امر القرائة المعتبرة المتّفق علی إجزائها و كفايتها بل نزول روح الأمين بجملتها و تواترها بوجوهها السّبعة عن رسول اللّه صلّی اللّه عليه و آله و سلّم عند قاطبة أهل الاسلام كما صرّح بذلك جماعة من الفقهاء الأعلام، معتضدا بغير واحد من النبوی الوارد فی هذا المعنی.
>
> **[1]**

این عبارت اینجا به این معنا است که من اصالً به حرف علماء خودمان بعد از قرن یازدهم توجه نکردهام. و حال اینکه ایشان فرد متتبعی است. بعد میگویند: «فان ثبت الإجماع أو التّواتر الدّی ادّعاه الشّهید الأوّل». بعد سراغ عشر میروند و تا آخر آن را قبول نمیکنند. محکم میگویند مخدوش است. قاعده اشتغال میگوید که چون تواتر عشر مخدوش است، نمیتوان با آنها نماز خواند و برئ الذمه شد. اما وقتی به سبع میرسند به این محکمی میگویند؛ یعنی میگویند «اجازئها، متفق علیها». گویا اصالً به آنها اعتناء نمیکنند. منظور من این است که بعد از قرن یازدهم هم کسانی را داریم که به این صورت محکم صحبت کردهاند. و حال آنکه اهل فضل و تتبع بودند. کسی نبودند که بگوییم صاحب روضات همینطور چیزی گفتهاند و خبر ندا‌شتهاند. وقتی در قرائات عشر خدشه میکنند میبینید که از نظر فقاهتی هم بهخوبی به میدان آمدهاند و چه دقتی دارند.

بنابراین سند حدیث خوب است. موید به روایت سیاری هم میتواند باشد و مشهور بین آنها هم بوده. اختلاف الرواة را هم بعداً عرض میکنم که چطور معنا میشود.

---

[1]روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات ج۳ ص۲۵۴

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 11:57:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 09:47:26 توسط ... .